



ارزیابی رابطه کنش - واکنشی متغیرهای بخش بانکی بر رشد اقتصادی در ایران

شکیب سلیمی مجاوری^۱

محمد رضا ناهیدی امیرخیز^۲

سیاوش جانی^۳

رقیه حسن زاده^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

چکیده

امروزه بانکها در نظام مالی اقتصادی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. ارزیابی آثار سیاست‌های پولی در قالب متغیرهای بانکی در کاهش تنگناهای تولیدی و رونق بخشیدن به فعالیت بخش‌های اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این پژوهش آثار گسترش فعالیت خدمات بخش بانکی بر رشد اقتصادی در ایران را در خلال دوره ۱۳۸۸-۱ تا ۱۳۹۷-۴ به روش داده‌های تلفیقی با استفاده از الگوهای خودرگرسیون برآورد نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که تغییرات رشد اقتصادی در دوره‌های ده ساله به شکل معناداری از شوک‌های ناشی از عرضه اعتبارات بانک‌های دولتی و شوک تغییرات تولید ملی تاثیر می‌پذیرند. حدود ۷۸ درصد تغییرات رشد اقتصادی توسط شوک‌های مربوط به رشد اقتصادی، ۱۱ درصد توسط شوک‌های ناشی از عرضه اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی، ۳ درصد به تعداد شعب و حدود ۶ درصد توسط شوک‌های ناشی از تعداد کارکنان توضیح داده می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: توسعه بخش بانکی، رابطه کنش - واکنشی، خود رگرسیون تابلویی.

طبقه بندی JEL: G10، G21

۱- دانشجوی دکتری گروه اقتصاد، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران. shakibsm@yahoo.com

۲- استادیار گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، (نویسنده مسئول) nahidi@iaut.ac. It

۳- استادیار گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه پیام نور، تبریز، ایران. s.jani@pnu.ac.ir

۴- استادیار گروه مدیریت، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه ایران. Hasanzadeh.r84@gmail.com

۱- مقدمه

توسعه بخش بانکی تأثیر مهمی در تبیین تفاوت نرخ رشد اقتصادی بین کشورها و چگونگی عملکرد آنها دارد. اهمیت و جایگاه نظام بانکی در اقتصاد ملی از آنجا ناشی می‌شود که به همان اندازه که توسعه بخش بانکی به عنوان شرط لازم رشد و توسعه بخش حقیقی مهم تلقی می‌شود، بی‌ثباتی آن نیز منجر به آسیب‌های جدی در فرایند رشد اقتصادی برای سال‌های متمادی می‌گردد. به همین دلیل طراحی ساختار مطلوب بخش بانکی و اعمال سیاست‌های کارآمد، نقطه عطف گذار کشورها به مرحله توسعه‌یافتگی ارزیابی می‌شود. مطالعات موجود گویای آن است که هر چه سطح توسعه بانکی در کشوری بالاتر باشد، به دلیل تأمین مالی آسان‌تر، کم هزینه‌تر و سریع‌تر، نرخ انباشت سرمایه فیزیکی و به تبع آن نرخ رشد اقتصادی، پیشرفت فناوری و ایجاد اشتغال مطلوب‌تر خواهد بود (دادگر و نظری؛ ۱۳۹۲).

بطور کلی دیدگاه‌های متفاوتی میان اقتصاددانان در رابطه با توسعه بخش بانکی، رشد اقتصادی و نقشی که توسعه بخش بانکی می‌تواند ایفا کند، وجود دارد. لوین^۱ (۱۹۹۷) گسترش واسطه‌های مالی را موجب افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی از طریق تخصیص بهینه منابع به سرمایه و رونق در رشد اقتصادی می‌داند. اما لوکاس^۲ (۱۹۸۸) این ارتباط را اغراق‌آمیز می‌داند. در نظریه‌های جدید اقتصاد مالی به همبستگی بالای رشد اقتصادی با نوآوری در بازارهای مالی تأکید شده است. با بکارگیری ابزارهای جدید تأمین و توسعه مالی در بخش واقعی اقتصاد کم هزینه تر و عرضه کالاهای جدید به بازار سریع تر صورت می‌گیرد. مطالعات در خصوص اثرگذاری توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی را می‌توان در قالب سه دسته کلی تقسیم نمود:

گروه اول؛ دیدگاه اقتصاددانانی نظیر مک کینون^۳ (۱۹۷۳) کینگ و لوین^۴ (۱۹۹۳)، لوین و همکاران^۵ (۲۰۰۰) که معتقد به رابطه علیت از توسعه خدمات و ابزارهای بخش بانکی بر رشد اقتصادی می‌باشد. طبق این دیدگاه گسترش خدمات و ابزارهای نوین بانکی می‌تواند در ایجاد رشد اقتصادی نقش موثری ایفا نمایند.

گروه دوم؛ اقتصاددانانی مانند شاول^۶ (۱۹۵۷)، گلداسمیت^۷ (۱۹۵۷) و جانگ^۸ (۱۹۸۶) بر این عقیده‌اند که رشد اقتصادی منجر به توسعه بخش بانکی می‌شود. چون رشد اقتصادی، تقاضا برای خدمات مالی را افزایش داده و گسترش چنین خدماتی منجر به افزایش مناسبات پولی و مالی می‌شود.

گروه سوم؛ به رابطه دوسویه رشد اقتصادی و توسعه بخش بانکی اشاره دارند. پاتریک (۱۹۸۶) معتقد است در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، بخش بانکی با گسترش و فراهم آوردن سرمایه باعث رشد اقتصادی می‌گردد و در مراحل بعدی که اقتصاد در حال رشد می‌باشد، تقاضا برای خدمات مالی

در آن افزایش می‌یابد. بررسی ارتباط میان توسعه بخش بانکی و رشد بلندمدت نیز بر این نکته دارد که سیستم‌های مالی می‌توانند ریسک و هزینه مبادله را در بلندمدت در اقتصاد کاهش داده و به شفاف‌سازی اطلاعات کمک کنند.

با توجه به اینکه در اکثر اقتصادهای مدرن، بانک‌ها به عنوان مرکز ثقل سیستم مالی و دریافت و پرداخت‌ها نقش مهمی در تجهیز پس‌اندازها، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تنوع‌سازی ریسک‌داری‌ها ایفا می‌کنند. از این رو اندازه، ساختار و کارایی بخش بانکی به عنوان یک بعد مستقل توسعه مالی مورد توجه است. سوددهی بانک‌ها، حجم اعتبارات پرداختی و دسترسی آسان بخش خصوصی به اعتبارات بانکی و منابع مالی حائز اهمیت است.

نظام اقتصادی ایران نظامی بانک محور است که در آن بانک‌ها در تامین منابع مالی طرح‌های اقتصادی دارای سهمی قابل توجه و بالا هستند. برخی برآوردها در این زمینه بر ۹۰ درصد تأکید دارد (قاسمی، ۱۳۹۶). به دلیل نوپا بودن بازار سرمایه، بازارهای بیمه، ارز، بازارهای آتی و بازار مشتقات، بازار مالی ایران چندان توسعه نیافته است. از این رو، بانک‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سرمایه‌گذاری و گردش فعالیت‌های اقتصادی دارند.

از سوی دیگر، نظام بانکی در ایران در زمینه کیفیت خدمات بانکی، نرخ‌های موجود اعطای تسهیلات و همخوانی با استانداردهای جهانی و از نظر ساختاری و نهادی، مقررات و ابزارهای نظارتی و سیاستی دارای شکاف قابل توجهی است. بهبود کیفی و گسترش خدمات بخش بانکی در کشورهای در حال توسعه نفتی نظیر ایران که درآمدهای حاصل از صادرات نفتی نتوانسته است به تعمیق رشد اقتصادی درونزا کمک شایانی کند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

با توجه به نقش اساسی نظام بانکی در اقتصاد و همچنین اعتبارات تأمین شده توسط بانک‌ها، تعداد شعب و تعداد شاغلین بانک‌ها بر چگونگی تأثیر توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی، مطالعه حاضر در پی آن است که توسعه بخش بانکی از چه طریق و به چه میزان می‌تواند بر رشد اقتصادی مؤثر باشد. این مقاله چگونگی اثرگذاری کنش - واکنش میان متغیرهای پولی و بانکی بر رشد اقتصادی از طریق کانال توسعه بخش بانکی با بهره‌گیری از روش الگوهای خودرگرسیون در بازه زمانی ۹۷-۱۳۸۸ پرداخته است. وجه تمایز این مطالعه نسبت به سایر پژوهش‌ها آشکار است. این مطالعه مشتمل بر پنج بخش است. ابتدا مبانی نظری، پیشینه تحقیق و پس از آن معرفی داده‌ها، برآورد الگو و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲- مبانی نظری

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اهداف سیاست‌های کلان مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی قرار دارد. در ادبیات رشد اقتصادی استفاده از ظرفیت‌های تولیدی از طریق تسهیل در ساز و کارهای مالی اهمیت ویژه‌ای دارد. در رابطه با نقش سیستم مالی در رشد اقتصادی، جان هیکس^۹ (۱۹۶۹) معتقد است که سیستم مالی از طریق تسهیل تجهیز سرمایه برای طرح‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، نقش مهمی در آغاز صنعتی شدن انگلستان داشته است. شومپتر^{۱۰} (۱۹۱۲) استدلال می‌کند که بانک‌های خوب از طریق شناسایی و تامین مالی کارفرمایانی که بیشترین شانس را برای تولید محصولات جدید و اجرای طرح‌های ابتکاری دارند، می‌توانند موجب نوآوری تکنولوژیکی شوند. جون رابینسون^{۱۱} (۱۹۵۲) اظهار می‌دارد که سیستم مالی، دنباله‌روی بخش حقیقی اقتصاد است. بر اساس نظر رابینسون، توسعه اقتصادی موجب افزایش تقاضا برای انواع خاصی از ترتیبات مالی می‌شود و سیستم مالی به طور خودکار این تقاضاها را برآورده می‌سازد.

تانگورای^{۱۲} (۲۰۱۷) در تحلیل اثرگذاری گسترش خدمات بانکداری بر ساختار و رشد اقتصادی در خلال سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۶ استدلال می‌کند که توسعه بخش بانکی بر رشد و توسعه بخش‌های صنعتی و کشاورزی سودمند است، به طوری که سطوح بالاتری از توسعه بخش بانکی متناسب با همان سطوح، اندازه بخش‌های صنعتی و کشاورزی را افزایش می‌دهد. وی با انتخاب نمونه‌ای در ۷ منطقه از کشورهای (۱) شرق آسیا و اقیانوس آرام، (۲) اروپا و آسیای مرکزی، (۳) آمریکای لاتین و کارائیب، (۴) خاورمیانه و شمال آفریقا، (۵) آمریکای شمالی، (۶) جنوب آسیا و (۷) جنوب صحرای آفریقا در دوره زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۶ با استفاده از سه شاخص توسعه بخش بانکداری در قالب سهم اعتبارات داخلی اعطا شده به بخش خصوصی توسط بانک‌ها به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، سهم اعتبارات داخلی به بخش مالی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی و تعداد شعب بانک‌های تجاری (به صورت سرانه در هر ۱۰۰۰۰ جمعیت بزرگسال) را بررسی نموده است.

برخی پژوهش‌ها در مورد غیرخطی بودن رابطه رشد مالی و رشد اقتصادی دریافته‌اند که رابطه بین توسعه بخش بانکی و توسعه بخش صنعتی، به توسعه بخش بانکداری و کیفیت سطح خدمات سایر نهادهای اقتصادی بستگی دارد. (کاروبی^{۱۳} و سچتی^{۱۴}، ۲۰۱۲) و دانک^{۱۵}، کورند^{۱۶} و شی^{۱۷} (۲۰۱۵). از آنجا که در فرایند توسعه بیشتر کشورها به تمرکز، تخصص‌گرایی و دانش محوری رو می‌آورند، در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، انتظار می‌رود ارتباط توسعه بخش بانکی با بخش صنعت و بخش کشاورزی مثبت باشد. اما سیستم بانکی بزرگتر و پیشرفته‌تر به یک اقتصاد مبتنی بر دانش

گرایش بیشتری دارد و انتظار می‌رود ارتباط توسعه بخش بانکی با بخش های خدماتی و صنعتی بیشتر باشد.

نایاشا و ادیانبو^{۱۸} (۲۰۱۴) بر ارتباط دو سویه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی بخش ها و واکنش متقابل بین آنها تأکید نموده اند. از نگاه آنان توسعه بخش بانکی موجب توسعه فعالیت بخش صنعت و کشاورزی شده و متقابلاً توسعه بخش صنعتی و توسعه بخش کشاورزی نیز موجب توسعه بخش بانکی می‌گردد.

۳- شواهد تجربی

در ادبیات اقتصادی سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، دسترسی به نوآوری و تامین مالی در رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و توانمندسازی بنگاه‌های تولیدی نقش ویژه ای دارند. در این راستا، بانک جهانی اعطای اعتبارات پولی و تامین مالی بنگاه ها را بر رشد اقتصادی مثبت می‌داند. (هو، ۲۰۰۶). بانک‌های دولتی با اعطای اعتبارات می‌توانند در جهت افزایش رشد اقتصادی نسبت به سایر بانک‌های دیگر موثرتر باشند. چرا که بانک‌های دولتی به خاطر داشتن اهداف اقتصادی مانند ایجاد رشد متوازن اهداف اجتماعی و ملاحظات سیاسی محدودیت کمتری قائل می‌شوند. پنگ و همکاران^{۱۹} (۲۰۱۰).

کبیر حسن^{۲۰} (2011) با تقسیم‌بندی کشورها و در نظر گرفتن مناطق جغرافیایی آنها دریافت رابطه دو سویه بین رشد اقتصادی و توسعه مالی وجود دارد در مناطقی که درآمد سرانه پایین بود، این رابطه از سمت توسعه مالی به سمت رشد اقتصادی جریان داشت. لوین^{۲۱} (۲۰۰۰) به صورت بین کشوری علت سطح متفاوت توسعه یافتگی واسطه‌گری مالی را بر اساس قوانین و سیستم حسابداری بررسی و تاثیر مثبت توسعه واسطه‌گری مالی بر رشد اقتصادی را مورد تاکید قرار داد. با باور وی، قوانین و شیوه حسابداری هر کشور در افزایش توسعه مالی و سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی موثر است. لیانگ^{۲۲} (۲۰۰۶) اثر میزان توسعه مالی بر رشد اقتصادی در استان‌های چین را بررسی و متوجه شد که توسعه مالی به صورت معناداری، رشد اقتصادی استان‌های ساحلی را افزایش داده است. او به این نتیجه رسید که توسعه مالی ضعیف در استان‌های داخلی می‌تواند به رشد نامتوازن و ناهمگن مناطق دامن بزند.

کراس و ریوجا^{۲۳} (۲۰۰۶) بهبود عملکرد اقتصادی ۳۷ کشور صنعتی و در حال توسعه طی سال‌های ۹۸-۱۹۸۵ را به توسعه بخش بانکی نسبت می‌دهند و معتقدند هر چقدر توسعه بخش بانکی بیشتر باشد، سیاست‌ها و عملکرد اقتصاد کلان مطلوبتر می‌شود. سامبا و امباسی^{۲۴} (۲۰۱۶) نشان دادند که توسعه مالی، باعث تقویت کارآیی سیاست‌های مالی در کشورهای عضو جامعه پولی

و اقتصادی کشورهای آفریقای مرکزی بین سال‌های ۲۰۰۶ - ۱۹۸۶ شده است. شاخص اصلی مورد استفاده برای توسعه مالی توسط این دو "اعتبار پرداختی بانک‌های داخلی به بخش خصوصی بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی" می‌باشد، که بر این اساس، ارتباطی با سیاست پولی ندارد. ما و لین^{۲۵} (۲۰۱۶) از نسبت اعتبارات بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی، نسبت ارزش بازار سرمایه به تولید ناخالص داخلی و نسبت اعتبارات بخش خصوصی به علاوه ارزش بازار سرمایه به تولید ناخالص داخلی به عنوان نماینده متغیر توسعه مالی برای ۴۱ کشور با استفاده از پنل دیتا بهره گرفته اند و نشان دادند، کشورهایی که از سیستم‌های مالی توسعه یافته‌تری برخوردار هستند، سیاست‌های مالی کارایی ندارد.

افیونگ و همکاران^{۲۶} (۲۰۱۷) "اعتبار اعطایی بخش خصوصی به GDP" را به عنوان نماینده متغیر توسعه مالی برای ۳۹ کشور آفریقایی با استفاده از روش پنل برای دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۰ مورد مطالعه قرار دادند. و نتیجه گرفتند بین توسعه مالی و کارایی سیاست پولی رابطه ضعیفی وجود دارد. همچنین بین توسعه مالی و رشد اقتصادی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. دیالو و ال‌تی‌تی^{۲۷} (۲۰۱۷) با فرض وجود رقابت انحصاری بین محصولات متمایز سیستم بانک‌ها، رابطه بین رشد اقتصادی مناطق و دسترسی به اعتبارات بانکی در ۱۸ کشور اروپایی را به صورت نظری و تجربی از مدل رشد اسچام‌ترین بررسی کردند و نتیجه گرفتند، هر چه دسترسی به اعتبارات بانکی بیشتر باشد، رشد اقتصادی مناطق افزایش می‌یابد، ضمن آنکه در افزایش نوآوری نیز تاثیر بسزایی دارد. برکوینز و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۴) با استفاده از داده‌های سری زمانی برای مناطق مختلف کشور روسیه نشان دادند که خصوصی شدن بانک‌های دولتی، میزان وام‌دهی را در هر یک میلیون نفر طی مدت ده سال از ۱۱ درصد به ۲۲ درصد افزایش داده، اما سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مناطق افزایش نیافته است. با این حال نتایج، موید این بود که با خصوصی‌سازی بانک‌ها رشد اقتصادی به میزان یک درصد افزایش می‌یابد.

اوندرو و اوزی‌یلدرم^{۲۹} (۲۰۱۳) با تقسیم‌بندی استان‌های توسعه یافته و در حال توسعه بر رشد اقتصادی ترکیه طی دوره‌های بحران‌های اقتصادی و سیاسی (ایام انتخابات) با استفاده از روش اقتصاد سنجی پانل دیتا در بازه زمانی ۲۰۱۰ - ۱۹۹۰ درباره فعالیت وام‌دهی بانک‌ها نشان دادند که سهم اعطای اعتبارات بانک‌های دولتی در سال‌های انتخاباتی و بحران اقتصادی نسبت به سال‌های دیگر به صورت معنی‌دار بالا بوده و سرانه اعتبارات اعطایی بانک‌های دولتی در دوره رکود اقتصادی بر رشد همه استان‌های کشور ترکیه تاثیر مثبت داشته است. بری و اشکلرگ^{۳۰} (۲۰۱۳) در پاسخ به شوک‌های مالی ۵۰ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰۹ - ۱۹۹۴ با استفاده از روش رگرسیون پانل تو در تو یا آشیانه‌ای (چارچوبی که امکان انتقال پارامترها در معادله وام‌دهی بانک

وجود دارد) درخصوص وام‌دهی بانک‌ها و مقایسه وام‌دهی بانک‌های خصوصی و دولتی نشان دادند که میزان وام‌دهی بانک‌های دولتی در طی دوره بحران افزایش یافته ولی وام‌دهی بانک‌های خصوصی در این شرایط کاهش می‌یابد، ضمن آنکه بانک‌های دولتی کاهش اعطای اعتبارات از طرف بانک‌های خصوصی را تحت پوشش قرار می‌دهند و نقش اساسی را در کاهش اثر منفی سیکل‌های نامتقارن بر رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. کندال^{۳۱} (۲۰۱۲) در دو مقطع زمانی ۹۲-۱۹۹۱ و ۲۰۰۰-۰۱ ارتباط بین توسعه بخش بانکی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی را در ۲۰۹ ایالت کشور هند با استفاده از داده‌های رشد اقتصادی در سطح مناطق بررسی نمود و نشان داد که عدم توسعه بانکداری هر منطقه ناشی از محدودیت مالی آن منطقه است، ضمن آنکه ارتباط بین این دو متغیر غیرخطی است. همچنین با کاهش نسبت اعطای اعتبارات بانکی به تولید ناخالص داخلی از ۷۵ درصد به ۲۵ درصد، میزان رشد اقتصادی حدود ۴ درصد کاهش می‌یابد.

دیب^{۳۲} (۲۰۱۰) نقش و اهمیت رفتار سیستم بانکی و شوک‌های مالی را در ادوار تجاری آمریکا و همچنین رفتار سیستم بانکی در دو حوزه ارائه خدمات بانکی و انتقال وجوه در بازار بین بانکی و شوک‌های پولی، اعتباری و شوک تغییر در میزان سرمایه و سپرده بانک بر رفتار کارگزاران اقتصادی و تغییر در حجم پول به عنوان شوک پولی و تغییر در عرضه اعتبارات به عنوان شوک اعتباری و تغییر در میزان سرمایه و سپرده به عنوان عامل محرک نوسانات اعتبارات در چارچوب خرد اقتصادی بررسی نمود و نشان داد که وجود سیستم بانکی به عنوان واسطه مالی در کاهش نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی نظیر رشد اقتصادی در مواجهه با شوک‌های پولی، بانکی و فناوری تاثیر بسزایی دارد. بامی بلرتا^{۳۳} (۲۰۱۴) با استفاده از مدل‌های آماری مختلف به ویژه تحلیل رگرسیونی بین سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۴ بر سودآوری بخش بانکی کشور آلبانی نشان داد که ارزیابی عوامل خارجی و داخلی با هدف بررسی عوامل مرتبط با سودآوری بانک‌ها مثبت بوده است. پردهان و همکاران^{۳۴} (۲۰۱۴) به بررسی رابطه علی بین توسعه بخش بانکی، توسعه بازار سهام، رشد اقتصادی و چهار متغیر کلان اقتصادی در کشورهای ASEAN^{۳۵} برای دوره ۲۰۱۲-۱۹۶۱ و با حضور سایر متغیرها پرداختند و نشان دادند، توسعه بخش بانکی و توسعه بازار سهام و دیگر متغیرهای اقتصاد کلان در تعیین رشد اقتصادی بلندمدت تأثیرگذارند. همچنین توسعه بخش بانکی، توسعه بازار سهام، رشد اقتصادی و متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان با هم انباشتگی دارند و رابطه بلندمدت بین آنها وجود دارد.

کنانی^{۳۶} (۲۰۱۲) از سه متغیر، نسبت حجم پول (M2) به تولید ناخالص داخلی اسمی، نسبت بدهی بانک‌ها به تولید ناخالص داخلی اسمی و نسبت اعتبارات اعطایی بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی اسمی در کشور مالایا استفاده کرد. همچنین برای نشان دادن رشد اقتصادی از

متغیر تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه استفاده نمود. باز بودن درجه تجاری (نسبت مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص داخلی اسمی) را نیز به عنوان شاخصی برای باز بودن تجاری قلمداد می‌کند و از مدل خودرگرسیون برداری (VAR) و (VECM) استفاده نموده است. براساس نتایج این تحقیق، رابطه بلندمدتی بین متغیرهای مالی، باز بودن درجه تجاری و رشد اقتصادی وجود دارد، همچنین حمایت‌هایی دال بر تحریک توسعه بانکی و باز بودن درجه تجاری در افزایش رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه برقرار است. بوجانیک^{۳۷} (۲۰۱۱) برای کشور بولیوی در بازه زمانی (۲۰۱۰-۱۹۴۰) با استفاده از مدل (VAR) و (VECM) از متغیرهایی شامل تولید ناخالص داخلی واقعی، تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه، نسبت حجم کل تجارت به تولید ناخالص داخلی، نسبت حجم تجارت با چهار شریک بزرگ تجاری به تولید ناخالص داخلی، نسبت M2 به تولید ناخالص داخلی و نسبت (پول - M2) به تولید ناخالص داخلی استفاده نمود و نشان داد که در متغیرهای هم‌انباشته، جهت علیت از سوی هر دو متغیر باز بودن درجه تجاری (حجم کل تجارت به تولید ناخالص داخلی و حجم تجارت با چهار شریک بزرگ تجاری به تولید ناخالص داخلی) به سوی تولید ناخالص داخلی واقعی است. از این گذشته متغیر M2 به تولید ناخالص داخلی نیز علت تغییرات تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه می‌باشد. اما در بین متغیرهایی که هم‌انباشته نیستند، چنین رابطه‌ای وجود ندارد. چونگ و لم^{۳۸} (۲۰۱۱) برای ۷۰ کشور توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره (۲۰۰۲-۱۹۸۰) نشان دادند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی قابل توجهی بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است. اما در مرحله بعد با تقسیم‌بندی کشورها به سه گروه با توجه به درآمدشان نتایج متفاوتی به دست آمد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت بر نرخ رشد اقتصادی کشورهای با درآمد بالا داشت.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط داشت.

اگر چه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر منفی در برخی رگرسیون‌ها داشت، اما کشورهای توسعه مالی مطلوبی برخوردار بودند بر تمام رگرسیون‌های این کشورها اثر مثبت داشت.

مطالعات داخلی

محمدنژاد و همکاران (۱۳۹۴) با روش رهیافت شبه بیزین طی بازه زمانی ۸۹ - ۱۳۷۰ نشان دادند که تسهیلات بانک‌ها بر رشد اقتصادی بخش غیرنفتی تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. ابوترابی و

همکاران (۱۳۹۴) برای یک دوره سی ساله بین سال‌های ۸۹ - ۱۳۵۸ با استفاده از آزمون علیت VCEM دریافتند، علیت معکوس از رشد اقتصادی به توسعه مالی وجود دارد. همچنین مالکیت بانکی نقش موثری در توسعه مالی دارد، ضمن آنکه دخالت دولت در بانک‌ها موجب کندی توسعه مالی می‌شود. زمانی و سلیمی فر (۱۳۹۳) با استفاده از روش پانل دیتا طی دوره ۹۰ - ۱۳۷۹ نشان دادند، بین توسعه مالی منطقه‌ای و رشد اقتصادی یک رابطه مثبت وجود دارد. مهرگان و دلیری (۱۳۹۲) بررسی واکنش بانک‌ها در برابر سیاست‌های پولی را با استفاده از یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی با رویکرد بیزی برای ایران بررسی نمودند. نتایج نشان داد که بانک‌ها به دلیل عدم توانایی در تعدیل نرخ بهره پس از بروز شوک پولی نمی‌توانند به مکانیزم انتقال، کمک چندانی کنند و شوک پولی باعث کاهش سپرده‌گذاری در بانک و افزایش تقاضا برای دریافت وام خواهد شد. از طرفی، این رخداد سبب بروز شوک در بخش کالاهای بادوام مانند مسکن شده و قیمت واقعی مسکن را افزایش می‌دهد البته در این مطالعه به نقش سپرده خانوارها به عنوان مهمترین منبع تأمین مالی بانک‌ها و واسطه‌های مالی اشاره نشده است.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته نشان دادند که اعطای اعتبارات بانکی در کشورهای در حال توسعه تاثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. مکیان (۱۳۹۸) در بررسی رابطه توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی بر رابطه هر دو متغیر ساختار مالی و توسعه مالی به عنوان شاخص‌های توسعه نظام مالی بر رشد اقتصادی دلالت می‌کند. یافته‌ها نیز مؤید این است که نظام مالی مبتنی بر بازار ارتباط قوی‌تری بر رشد اقتصادی دارد. همچنین، در کوتاه‌مدت رابطه علی یک‌طرفه از متغیرهای توسعه نظام مالی به رشد اقتصادی و در بلندمدت رابطه دوطرفه وجود دارد که فرضیه مرحله توسعه یافتگی پاتریک را تأیید می‌نماید. در این پژوهش شاخص‌های توسعه نظام مالی بر روی رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی طی دوره ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۱ با استفاده از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS)^{۳۹} تأیید شده است. ابراهیمی با استفاده از روش پانل پویای GMM^{۴۰} از داده‌های ۳۹ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه برای دوره زمانی ۰۹ - ۲۰۰۰ نشان داد که ساختارهای مالی، بر رشد کشورهای توسعه‌یافته تاثیر معنی‌داری ندارد و فقط بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نوظهور رابطه معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر عملکرد بخش حقیقی در این کشورها در نظام مالی بازار محور بهتر از نظام مالی بانک محور است. بعلاوه توسعه مالی بر رشد اقتصادی تمامی کشورها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد که این رابطه در کشورهای در حال توسعه و نوظهور بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. سعیدی در تحلیلی متفاوت نشان می‌دهد که نیروی کار در رشد اقتصادی بالاترین نقش را ایفا می‌کند و مطابق انتظارات نظری مثبت است و اعتبارات تکلیفی بر اشتغال نقش کمی

دارد، ولی اعتبارات غیر تکلیفی نقش مثبت و بیشتری در اشتغال دارد. ایشان در تحلیلی دیگر بیان می‌دارد، تسهیلات بانکی به عنوان مکمل سرمایه تولیدکننده می‌تواند نقش مهمی در سرمایه‌گذاری و رشد تولید داشته باشد و ضریب مدل بیانگر آن است که ۱٪ افزایش در تسهیلات بانکی می‌تواند ارزش افزوده (رشد اقتصادی) را به میزان ۰,۲۷٪ افزایش دهد.

صمیمی و همکاران، با بررسی تأثیر همزمان متغیرهای نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی، متغیر سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی و آزادی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران نشان دادند که تأثیر متغیر نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی بر تولید ناخالص داخلی ایران مثبت و معنی‌دار است. متغیر آزادی تجاری بر تولید ناخالص داخلی ایران تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است و متغیر سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی دارای تأثیر جزئی بر تولید ناخالص داخلی ایران دارد و به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. مهرآرا و همکاران، با استفاده از روش داده‌های تلفیقی پویا (۲۰۰۳-۱۹۷۹) در کشورهای منتخب نشان دادند که توسعه نظام بانکی تنها در بلندمدت اثر با اهمیتی بر سطح تولید ناخالص داخلی دارد. با این حال هیچ یک از شاخص‌های توسعه مالی اثر با اهمیتی بر نرخ رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در دوره مورد بررسی نداشته است. آرمن و همکاران، در قالب یک تحلیل علی بین توسعه مالی و الگوی تجارت بین‌الملل برای کشور ایران نشان دادند که رابطه علی بین رشد اقتصادی و توسعه مالی برقرار است که این نتیجه مبین تأیید فرضیه تعقیب تقاضا در مورد ایران است. همچنین این مطالعه رابطه علیت دو طرفه بین رشد اقتصادی و صادرات در بلندمدت (فرضیه‌های رشد صادرات محور) را تأیید کرده است. میرمطهری، با استفاده از روش Panel VAR پیرامون کشورهای D8 طی دوره زمانی ۸۴-۱۳۷۰ بانک محور بودن سیستم مالی ایران را تأکید نمود و ارتباط بین توسعه بخش بانکی و متغیرهای اقتصاد کلان مثل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن تجاری، نرخ تورم و مخارج مصرفی دولت را تأیید نمود.

۴- معرفی الگو

مطالعه فعلی به دنبال پاسخ به این سوال است که، رابطه متغیرهای توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی ایران چگونه است؟ در این راستا مدل پایه نظری و مطالعاتی تانگورای (۲۰۱۷) به شکل زیر تعدیل یافته است:

$$EGR_{i,t} = F(PUC_{i,t}, PUB_{i,t}, EMP_{i,t})$$

در مدل فوق :

EGR: رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته در الگو

PUC: سهم اعتبارات اعطایی توسط بانک‌های دولتی

PUB: تعداد شعب بانک‌های دولتی

EMP: تعداد کارکنان بانک‌های دولتی

دوره زمانی مطالعه سال‌های ۹۷-۱۳۸۸، بانک‌های منتخب شامل بانک ملی، کشاورزی، سپه، مسکن، رفاه کارگران، توسعه صادرات، توسعه تعاون و پست بانک می‌باشند. آمارهای این تحقیق از منابع بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و درگاه‌های اینترنتی استخراج شده است.

۴-۱- برآورد الگو

پیش از برآورد مدل، لازم است پایایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین‌ها آزمون شود، زیرا ناپایایی متغیرها چه در مورد سری زمانی و چه داده‌های پانلی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. برای این منظور از آزمون لوین لین چو برای داده‌های پانلی استفاده می‌شود که نتایج آن برای کلیه متغیرهای مدل در جدول (۱) آمده است. چنانچه مقدار آماره محاسبه شده بزرگتر از مقدار مربوط به سطح اطمینان رایج باشد، فرضیه صفر مبتنی بر ناپایایی رد خواهد شد. نتایج جدول (۱) و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آنها نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبتنی بر ناپایایی متغیرها رد می‌شود، یعنی کلیه متغیرها به غیر از PUC در سطح پایا هستند و این متغیر هم با یکبار تفاضل‌گیری پایا شده است. با حصول اطمینان از پایایی متغیرها هراس از کاذب بودن رگرسیون وجود نداشته و میتوان به انجام برآورد مدل پرداخت. طبق جدول زیر تمامی متغیرها بجز از PUC پایا از درجه صفر و این متغیر پایا از درجه یک می‌باشد.

جدول (۱): بررسی پایایی متغیرها بر اساس آزمون لوین لین چو

| متغیر | آماره t | احتمال | وضعیت |
|--------|----------|--------|--------|
| EGR | -۳/۹۰۲۵ | ۰/۰۰۰۰ | پایا |
| PUC | -۰/۵۴۴۱ | ۰/۲۹۳۲ | ناپایا |
| D(PUC) | -۲۸/۲۴۵۳ | ۰/۰۰۰۰ | پایا |
| PUB | -۳۰/۷۴۴۵ | ۰/۰۰۰۰ | پایا |
| EMP | -۱۹/۳۷۵۸ | ۰/۰۰۰۰ | پایا |

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

در راستای بررسی روابط تعادلی بلندمدت بین چند متغیر اقتصادی در مدل پانل از آزمون هم‌جمعی کائو استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه صفر مبتنی بر عدم وجود هم‌جمعی بین متغیرها است. نتایج حاصل از آزمون هم‌جمعی کائو در جدول (۲) نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌جمعی بین متغیرها را نمی‌توان پذیرفت و در نتیجه بین متغیرهای ذکر شده در مدل، رابطه بلندمدت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۲): آزمون هم‌جمعی

| نتیجه | احتمال | آماره t | آزمون هم‌جمعی کائو |
|--------------------|--------|---------|--------------------|
| وجود بردار هم‌جمعی | ۰/۰۰۳۱ | -۲/۷۴۰۸ | |

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

قدم بعدی در برآورد مدل پانل‌ور تعیین وقفه بهینه مدل است. به همین منظور از آمارهای اطلاعاتی تعدیل شده آکائیک^{۴۱}، بیزین^{۴۲} و حنان کوئین^{۴۳} استفاده شده است. نتایج برآورد آمارهای مذکور برای مرتبه اول تا سوم مدل پانل‌ور در جدول (۳) نمایش داده شده است. همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود و با توجه به اینکه مدل بهینه مدلی است که دارای کمترین مقدار MAIC، MBIC و MQIC باشد، به همین دلیل بر اساس معیارهای انتخاب وقفه بهینه مدل، وقفه اول بهینه است.

جدول (۳): نتایج انتخاب وقفه بهینه

| MQIC | MAIC | MBIC | J Pvalue | J | CD | Lag |
|-----------|-----------|-----------|-----------|----------|-----------|-----|
| -۱۷۵/۱۷۸۵ | -۵۳/۸۷۹۷۹ | -۳۸۵/۲۱۴۷ | ۰/۰۲۰۰۹۳۷ | ۱۰۲/۲۰۱۸ | ۰/۹۹۹۸۷۴۵ | ۱ |
| -۱۳۷/۵۹۸ | -۵۲/۳۶۹ | -۲۷۳/۸۱۴۹ | ۰/۵۴۴۳۲۶۳ | ۴۹/۵۲۳ | ۰/۹۹۹۹۲۰۱ | ۲ |
| -۷۸/۵۹۴۱ | -۳۵/۱۰۳۶۴ | -۱۴۶/۱۹۷۱ | ۰/۹۶۳۵۰۷۱ | ۱۳/۸۸۴۵۲ | ۰/۹۹۹۹۰۳۰ | ۳ |

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

۲-۴- تفسیر پارامترهای الگو

رابطه متغیرهای توضیحی مدل بر رشد اقتصادی در جدول (۴) درج است.

جدول (۴): نتایج برآورد الگو

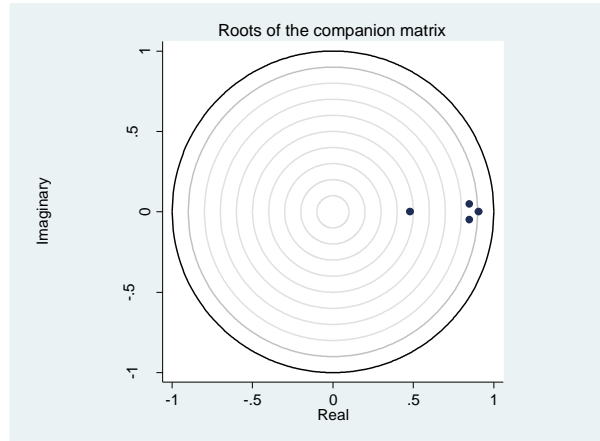
| متغیر | ضریب | انحراف معیار | آماره z |
|---------|---------|--------------|---------|
| EGR(-1) | ۰/۷۱۲۸ | ۰/۰۷۸۳ | ۹/۱۰ |
| PUC(-1) | ۰/۰۹۸۵ | ۰/۰۱۰۹ | ۸/۹۶ |
| PUB(-1) | ۰/۲۰۱۱ | ۰/۲۷۳۴ | ۰/۷۴ |
| EMP(-1) | -۰/۱۴۸۸ | ۰/۰۹۴۰ | -۱/۵۸ |

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

سهام اعتبار ارائه شده توسط بانک‌های دولتی و تعداد شعب بانک‌های دولتی رابطه مثبت و معنادار و تعداد کارکنان رابطه منفی با رشد اقتصادی دارد. با افزایش ۱ درصدی در سهم اعتبارات ارائه شده توسط بانک‌های دولتی، رشد اقتصادی ۰/۰۹ درصد افزایش می‌یابد. تأمین مالی تولید در این زمینه بسیار موثر است. اعتبارات اعطایی در بخش تولید آثار مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. همچنین با افزایش ۱ درصدی در تعداد شعب بانک‌های دولتی، ۰/۲۰ درصد افزایش در رشد اقتصادی حاصل می‌شود. تعداد کارکنان رابطه منفی بر رشد اقتصادی دارد، یعنی با افزایش ۱ درصد در تعداد کارکنان بانک‌های دولتی، رشد اقتصادی ۰/۱۴ درصد کاهش می‌یابد.

۴-۳- شرط ثبات

برای بررسی شرط ثبات و بر اساس نظر آبرینگو و لائو (۲۰۱۵) لازم است تا قبل از برآورد عکس‌العمل شوک، شرط ثبات پانل‌ور بررسی شود. شکل (۱) نتایج آزمون ثبات الگو را نمایش می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمامی نقاط درون دایره واقع شده‌اند، پس بنابراین شرط ثبات برای مدل برقرار است.



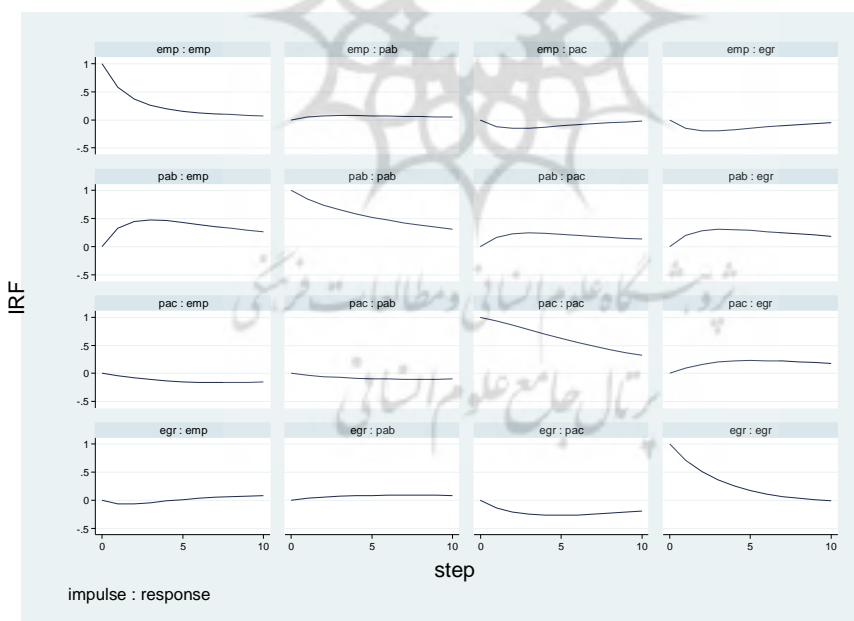
شکل (۱): نتایج آزمون ثبات الگو

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

۴-۴- تحلیل توابع عکس‌العمل آنی

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی ایران، ارتباط متقابل متغیرها از طریق مدل خود رگرسیون برداری مبتنی بر داده‌های تابلویی ارزیابی می‌شود. بطوری که اثر یک شوک مشخص بر روی متغیر بررسی می‌گردد و نشان داده می‌شود که اگر یک تغییر ناگهانی (شوک) در یک متغیر رخ دهد، ارتباط آن بر روی خود متغیر و دیگر متغیرها در طول دوره‌های مختلف چه مقدار خواهد بود. بررسی توابع عکس‌العمل آنی، در واقع همان مطالعه زمان‌بندی اثر تکانه‌ها است. به منظور ترسیم نحوه حرکت زمانی سیستم پس از وارد کردن شوک و تفکیک رفتار هر یک از متغیرهای الگو پس از شوک، از روش ضربه‌های تعمیم یافته استفاده شده است. در این روش، با تغییر رتبه‌بندی متغیرهای الگو، نتایج عکس‌العمل برآورد شده تغییر می‌کند. شکل (۲) فرم تابع عکس‌العمل آنی متغیر رشد اقتصادی را در مقابل شوک‌های وارد شده به اندازه یک انحراف معیار از سوی متغیرهای الگو را نشان می‌دهد. همانطور که از نمودار مشخص است، واکنش رشد اقتصادی از شوک‌های خود رشد اقتصادی ابتدا به شدت مثبت بوده و سپس رفته رفته کاهش می‌یابد و در نهایت در دوره دهم به صفر میل می‌کند. بنابراین یک شوک مثبت در رشد اقتصادی باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. براساس نمودار، اثر این شوک تا حدودی کوتاه مدت بوده به طوری که تقریباً بعد از حدود ۵ دوره اثر مثبت شوک بسیار کاهش می‌یابد. به طور مشخص افزایش در رشد اقتصادی می‌تواند منجر به افزایش سرمایه‌گذاری شود، در این شرایط

سرمایه‌گذاران جهت انتخاب برای سرمایه‌گذاری می‌توانند بخش‌های مختلف یک اقتصاد دارای رشد را مورد هدف قرار داده و بنابراین سرمایه‌گذاری در کشور، از جنبه‌های مختلفی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در نتیجه با افزایش میزان سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی نیز بیشتر می‌شود. رابطه شوک متغیر سهم اعتبار ارائه شده توسط بانک‌های دولتی ابتدا مثبت است ولی رفته رفته کاهش یافته و منفی می‌شود. این موضوع شاید به دلیل عدم بهره‌برداری مناسب از اعتبار ارائه شده توسط بانک‌های دولتی در بخش‌های مورد نیاز باشد. رابطه شوک متغیر تعداد شعب بانک‌های دولتی مثبت است. این شوک رفته رفته یک روند صعودی به خود می‌گیرد و تقریباً در دوره پنجم به بیشترین میزان خود می‌رسد و سپس مقداری کاهش می‌یابد. با افزایش تعداد شعبات میزان خدمات‌رسانی بانک‌ها افزایش می‌یابد که این خود می‌تواند بستر لازم برای رشد اقتصادی را فراهم آورد. رابطه شوک متغیر تعداد کارکنان بانک‌ها هم در ۳ دوره اول منفی است ولی بعد از آن به سمت صفر حرکت می‌کند و در دوره هفتم مثبت می‌شود. کارایی تعداد کارکنان در دوره‌های اولیه منجر به رشد اقتصادی نمی‌شود ولی بعد از دوره پنجم می‌تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی شود.



شکل (۲): نتایج توابع عکس‌العمل مدل مورد بررسی

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

۴-۵- تجزیه و تحلیل واریانس خطای پیش‌بینی

با استفاده از تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی، سهم متغیرهای موجود در الگو از تغییرات هریک از متغیرها در طول زمان مشخص می‌شود. روش تجزیه واریانس، خطای پیش‌بینی قدرت نسبی زنجیره علیت گرنجر یا درجه برون‌زایی متغیرها در ماورای نمونه را اندازه‌گیری می‌کند. منظور از محاسبه شاخص تجزیه واریانس این است که مشخص شود به طور نسبی میزان سهم و اهمیت تکانه ناشی از هر متغیر، در تغییرات خود نسبت به تغییرات سایر متغیرها چقدر است. به بیانی دیگر، در روش تجزیه واریانس، سهم شوک‌های وارد شده بر متغیرهای مختلف الگو در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر مشخص می‌شود. نتایج حاصل از تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی برای متغیرهای مورد مطالعه در یک دوره ۱۰ ساله در جدول (۵) آورده شده است. براساس جدول (۵) ملاحظه می‌شود که در سال اول ۱۰۰ درصد تغییرات رشد اقتصادی توسط شوک‌های مربوط به خود رشد اقتصادی توضیح داده شده است. در سال دوم ۹۸ درصد از تغییرات رشد اقتصادی توسط شوک‌های مربوط به خود رشد اقتصادی، ۰/۰۰۲۵ درصد توسط شوک‌های مربوط به میزان سهم اعتبار ارائه شده توسط بانک‌های دولتی، ۰/۰۰۲۸ درصد توسط شوک‌های مربوط به تعداد شعب بانک‌های دولتی و ۰/۰۱۲ درصد مربوط به شوک‌های تعداد کارکنان توضیح داده شده است. در بلندمدت (در یک دوره ۱۰ ساله) حدود ۷۸ درصد تغییرات رشد اقتصادی توسط شوک‌های مربوط به خود رشد اقتصادی توضیح داده شده است. این در حالی است که تقریباً ۱۱ درصد نوسانات این متغیر توسط شوک‌های ناشی از میزان سهم اعتبار ارائه شده توسط بانک‌های دولتی، ۳ درصد توسط شوک‌های ناشی از تعداد شعب بانک‌های دولتی و ۶ درصد توسط شوک‌های ناشی از تعداد کارکنان توضیح داده می‌شود. سهم تعداد شعب در الگوی رشد اقتصادی از سایر متغیرها سهم اندکی است.

جدول (۵): تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی متغیر رشد اقتصادی برای دوره ۱۰ ساله

| دوره | EGR | PUC | PUB | EMP |
|------|--------|--------|--------|--------|
| ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ۲ | ۰/۹۸۱۶ | ۰/۰۰۲۵ | ۰/۰۰۲۸ | ۰/۰۱۲ |
| ۳ | ۰/۹۵۳۹ | ۰/۰۰۹۵ | ۰/۰۰۷۳ | ۰/۰۲۹۱ |
| ۴ | ۰/۹۲۳۶ | ۰/۰۲۱۱ | ۰/۰۱۲۱ | ۰/۰۴۳۰ |
| ۵ | ۰/۸۹۳۷ | ۰/۰۳۶۱ | ۰/۰۱۶۷ | ۰/۰۵۳۲ |
| ۱۰ | ۰/۷۸۵۷ | ۰/۱۱۴۳ | ۰/۰۳۱۹ | ۰/۰۶۷۹ |

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

۵- نتیجه گیری

مطالعه حاضر کوشید تا به بررسی رابطه متغیرهای توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی ایران با بهره‌گیری از روش پانل‌ور در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۸-۱ تا ۱۳۹۷-۴ در ۶ بانک دولتی شامل؛ ملی، کشاورزی، سپه، مسکن، صنعت و معدن و توسعه تعاون بررسی کند. نتایج نشان داد که در بلندمدت (در یک دوره ۱۰ ساله) حدود ۷۸ درصد تغییرات رشد اقتصادی توسط شوک‌های مربوط به خود رشد اقتصادی توضیح داده شده است. ۱۱ درصد نوسانات این متغیر توسط شوک‌های ناشی از میزان سهم اعتبار ارائه شده توسط بانک‌های دولتی، ۳ درصد توسط شوک‌های ناشی از تعداد شعب بانک‌های دولتی و ۶ درصد توسط شوک‌های ناشی از تعداد کارکنان توضیح داده می‌شود. سهم تعداد شعب در الگوی رشد اقتصادی از سایر متغیرها سهم اندکی بود.

به منظور بهبود ساختار سیستم بانکی و افزایش نیل به سمت رشد و توسعه اقتصادی، می‌توان فعالیت‌های نظام بانکی را در مسیری هدایت کرد که منجر به افزایش ثبات و رشد اقتصادی گردد. به همین منظور پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

- افزایش در سهم اعتبار پرداختی و همچنین نظارت دقیق‌تر بر آنها می‌تواند مسیر رشد و توسعه اقتصادی را هموارتر سازد. بهبود شرایط اعطای تسهیلات و توجه به نوع مشاغل و واحدهای تولیدی می‌تواند افزایش آگاهی نظام بانکی را به همراه داشته باشد تا تسهیلات پرداختی به بهترین شکل ممکن مصرف شوند. فراهم کردن امکانات و شرایط بهتر در تسهیلات هم می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی نقش کلیدی داشته باشد.
 - افزایش تخصصی‌سازی و دسترسی به توانمندی‌های مورد نیاز برای اعطای اعتبار مسئولانه به بخش‌های وسیع‌تر و بهبود مدیریت ریسک اعتباری اعطاکندگان اعتبار و فعالیت ایشان در سطوح بین‌المللی نیز در رشد اقتصادی اثرگذار است.
 - دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر و به موقع‌تر در زمینه استخدام نیروی کار متخصص و آموزش دیده به منظور بهره‌برداری حداکثری از سرمایه‌های انسانی، ایجاد فضای خلاق و جذب ایده‌های جدید برای راه‌اندازی سیستم‌های مبتنی بر خلاقیت و نوآوری نیز می‌تواند در جهت رسیدن به رشد اقتصادی کمک شایانی به همراه داشته باشد.
- بهبود خدمات ارائه به مشتری از طریق ایجاد شعب الکترونیکی به منظور دستیابی به اطلاعات سالم و افزایش تقاضای استفاده‌کنندگان و تلاش در جهت بهبود صرفه‌جویی ناشی از مقیاس و توسعه بیشتر سرمایه برای سرمایه‌گذاری مجدد می‌تواند بر میزان رشد اقتصادی تاثیر داشته باشد.

فهرست منابع

- ۱) طبیبیان، محمد؛ اقتصاد کلان (۱۳۹۸)، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه
- ۲) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸)، اداره اطلاعات بانکی، دایره تهیه و تنظیم آمار و گزارش‌های تحلیلی.
- ۳) دادگر، یدالله، (۱۳۹۷)؛ اقتصاد بخش عمومی (۱) تهران، انتشارات دانشگاه مفید
- ۴) گزارشات سالانه سازمان برنامه و بودجه کشور، (۱۳۹۷)
- ۵) گزارشات سالانه مرکز آمار ایران، (۱۳۹۶)
- ۶) شاکری، عباس (۱۳۹۶) تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان اثر برانسون، و بلیام اچ ترجمه عباس شاکری؛ تهران، نشر نی مریدی،
- ۷) مکیان، سید نظام‌الدین؛ ایزدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، بررسی رابطه توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی، پژوهش‌های اقتصادی ایران سال بیستم، شماره ۶۲
- ۸) محمدی، تیمور (۱۳۹۴) اقتصاد کلان، چاپ بیست و دوم، تهران، نشر برادران،
- ۹) ابراهیمی سجاد (۱۳۹۳)، اثر ساختار نظام مالی بر رشد اقتصادی، پژوهش‌های اقتصادی دوره ۱۴، شماره ۲-۱۱۷-۱۳۴
- ۱۰) مهرآرا، محسن و مهران فر، مهدی (۱۳۹۲). عملکرد بانکی و عوامل کلان اقتصادی در مدیریت ریسک، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱.
- ۱۱) تیزهوش، محمد حسین (۱۳۹۲)؛ ترجمه کتاب اقتصاد کلان اثر دورنبوش، رودیگر و فیشر، استنلی؛ تهران، ناشر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
- ۱۲) جعفری صمیمی، احمد، (۱۳۹۱)؛ اقتصاد بخش عمومی (۱) تهران، انتشارات سمت
- ۱۳) سعیدی پرویز، (۱۳۸۸)، ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی، ویژه نامه بانک دوره - شماره ۶ صص ۱۶۷-۱۹۳
- ۱۴) تفضلی، فریدون (۱۳۸۸)، تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر، چاپ نهم، تهران، نشر نی
- ۱۵) جعفری صمیمی، احمد، صفر فرهنگ، مهدی رستم زاده و مهدی محمدزاده (۱۳۸۸) تأثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی؛ ۴ : ۱ - ۲۱.
- ۱۶) مهرآرا، محسن و حسین طلاکش نایینی (۱۳۸۸) بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با روش داده‌های تلفیقی پویا ۲۰۰۳ - ۱۹۹۳ مجله دانش و توسعه، ۱۶ (۲۶) : ۲۵ - ۴۴.

- ۱۷) آرمن، سید عزیز، امین تبعه ایزدی و فاطمه حسین پور (۱۳۸۷). مثلث توسعه مالی، رشد اقتصادی و تجارت خارجی در ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری؛ ۵ (۳) : ۴۱ - ۳۲.
- ۱۸) سرزعی، علی و ابراهیم، علیرضا (۱۳۸۶). چرا آزادسازی تجاری برای رشد مفید است؟ آن کروگر ترجمه علی سرزعی و علیرضا ابراهیم
- ۱۹) میرمطهری، سید احمد (۱۳۸۶). آزمون رابطه میان رشد اقتصادی و ساختار مالی ایران، پژوهشنامه اقتصادی؛ ۷ (۲۴) : ۱۰۳ - ۱۱۶.
- ۲۰) نوروزی، علیرضا؛ مریدی، سیاوش (۱۳۷۳). فرهنگ اقتصادی، تهران نشر نگاه
- 21) Aizenman, J., Jinjark, Y., Park, D. (2015). Financial Development and Output Growth in Developing Asia and Latin America: A Comparative Sectoral Analysis., NBER. Working Paper No. (2017). National Bureau of Economic Research, Cambridge, Massachusetts
- 22) Allen, F. and Gale D (1999) Comparing Financial System. Cambridge MA: MIT Press
- 23) Arestis, P., Demertiades, P., and Luintel, K. (2001). "Financial Development and Economic Growth: The Role Of Stock Markets"., Journal Of Money. Credit and Banking, 33(1)
- 24) Athanasoglou, P.P., Brissimis, S.N., Delis, M.D. (2008). Bank-specific, industry-specific and macroeconomic determinants of bank profitability. Journal of International Financial Markets, Institutions and Money 18, 121-136.
- 25) Beck, T. and Levine, R. (2002). "Stock Market, Banks and Growth: Panel Evidence"., Nber Working Paper, Series NO.9082. Cambridge, Mass: National Bureau of Economic Research
- 26) Beck, T., Levine, R., (2002). Industry growth and capital allocation: Does having a market- or bank-based system matter? Journal of Financial Economics 64, 147-180.
- 27) Bekaert, G., Harvey, C.R., Lundblad, C., (2005). Does financial liberalization spur growth? Journal of Financial Economics 77, 3-55.
- 28) Blerta Bami, (2014) Internal and External Factors Affecting Banking Profitability: Evidence from Albanian Banking Sector Department of Banking and Finance, Epoka University
- 29) Bojanic. (2011). The impact of Financial Development and Trade on the Economic Growth of Bolivia. Journal of Applied Economics, 1: 51-70.
- 30) Boris Cournede & Oliver Denk (2015) Finance and Economic Growth in OECD and G20 Countries
- 31) Choong, C.K. & S.Y. Lam. (2011). Foreign Direct Investment, Financial Development and Economic Growth: Panel Data Analysis. The IUP Journal of Applied Economics, 8: 12-16.
- 32) Gereshkorn, (1996). A. Economic Backwardness in Historical Perspective. A Book of Essay, Cambridge, MA, Harvard University Press,
- 33) Goldsmith, R. W (1969). Financial Structure and Development. New Heaven, Ct: Yale University Press

- 34) Hoshi, T. Kashape, A. and Scharfstien, D (1991). "Corporate Structure, Liquidity and Investment: Evidence from Japanese Industrial Groups"., Quarterly Journal of Economics, 106(4)
- 35) JittimaTongurai (2018) The impact of the banking sector on economic structure and growth International Review of Financial Analysis, Volume 56, March 2018, Pages 193-207
- 36) Kenani. (2012). A Dynamic Causal Linkage between Financial Development, Trade Openness and Economic Growth: Evidence from Malawi, Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, 4(5): 567-569
- 37) Levine, R. (2002). "Bank Base and Market Base Financial System, Which is Better?"; Journal of Financial Intermediations, 11(4)
- 38) Mork, R. and Nakkamora, M. (1995). "Banks and Corporate Control in Japan"; Journal of Finance
- 39) Rudra P. Pradhan, Mak B. Arvin, John H. Hall, Sahar Bahman. (2014). Causal Nexus Between Economic Growth, Banking Sector Development, Stock Market Development, and Other Macroeconomic Variables: The case of ASEAN countries, Review of Financial Economics, 6(5):155-173
- 40) Sheilla Nyasha & Nicholas M. Odhiambo (2014). The Impact of Banks and Stock Market Development on Economic Growth in South Africa: An ARDL-bounds Testing Approach 'Contemporary Economics' Vol. 9 Issue 1 2015 93-108
- 41) Stephen Cecchetti & Enisse Kharroubi, (2012). "Reassessing the impact of finance on growth," BIS Working Papers 381, Bank for International Settlements. Monetary and Economic Department
- 42) Stiglitz, J. E. (1985). "Credit Markets and The Control of Capital"., Journal of Money, Credit, and Banking, 17(1)
- 43) Weinstien, D. E. and Yafeh, Y. (1998). "On The Costs Of a Bank Center Financial System: Evidence From The Changing Bank Relations In Japan"., Journal Of Finance, 53(4)
- 44) William H. Branson (1994) Macroeconomic Theory and Policy Addison Wesley; 2250, 2nd edition

یادداشت‌ها

- ¹ R, Levine(1997)
- ² Loucas(1988)
- ³ Mckinon
- ⁴ King And Levine
- ⁵ Levine And Others
- ⁶ Shaw, E. S
- ⁷ Goldsmith, R. W
- ⁸ Jung, W. S
- ⁹ John Richard Hicks
- ¹⁰ Joseph Schumpeter
- ¹¹ Joan Robinson
- ¹² Tongurai
- ¹³ Kharroubi

¹⁴ Cecchetti

¹⁵ Denk

¹⁶ Cournède

¹⁷ Sahay

¹⁸ Nashaya & Odhiambo

¹⁹ Peng et al.

²⁰ Kabir hasan et al.

²¹ Levine et al.

²² Liyang

²³ Krause & Rioja

²⁴ Samba & Mbassi

²⁵ Ma & Lin

²⁶ Effiong et al

²⁷ Diyalo & Eltiti

²⁸ Bercohns et al

²⁹ Onder & Ozyıldırım

³⁰ Beri & Sclerg

³¹ Kendal

³² Dib

³³ Bami Blerna

³⁴ Rudra et. al.

³⁵ Association of Southeast Asian Nations

³⁶ Kenani

³⁷ Bojanic

³⁸ Choongand Lam

³⁹ Completely Modified Least Squares Method

۵- سازگاری تخمین زنده این روش به معنای بودن فرض عدم خودهمبستگی سریال جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که بوسیله دو آزمون تصریح شده توسط "آرلانو و باند" و "آرلانو و بورو" آزمون می‌شود.

⁴¹ . Modified Akaike Information Criterion

⁴² . Modified Bayesian Information Criterion

⁴³ . Modified Hannan-Quinn Information Criterion

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی